

مقدمه

حمد و سپاس خداوند را که پروردگار عالمین است و درود و تحیت بر فرستاده ی امین او تا روز قیامت.

زن، به عنوان نیمی از نفس انسانی که آفریده خداوند است. وظیفه او در زمین، در عرصه حیات آدمی نقش سازنده و جایگاهی بس ارجمند است. زن با یاری جستن از استعدادهای بسیار و گاه منحصر به فردی که خالق دانا در طبیعت او به ودیعت نهاده، جاده پر پیچ و خم زندگی را می پیماید تا در انجام نقش درخور و شأن شایسته خویش را در یابد و به کمال سزاوار خود نایل آید.

پس برای پیمودن راه کمال، نیازمند شناسایی صفات نکوهیده و آثار آن و دوری کردن از این صفات رذیله و همچنین الگو گرفتن از زنان شایسته و ... عبرت گرفتن از زنان ناشایست است. تا بدین وسیله سعادت و عزت و رستگاری دنیا و آخرت را به دست آورد که در قرآن که کتاب انسان سازی است؛ علاوه بر این که الگوی زن شایسته و با شخصیت را حضرت مریم (سلام الله علیها) و آسیه همسر فرعون معرفی کرده، دو نفر همسر حضرت لوط و حضرت نوح (علیه السلام) را نیز الگوی زنان و ناشایست نام برده است. در این کتاب مقدس علاوه بر بیان صفات شایسته، صفات ناپسند هم بیان شده که شامل همه انسان ها می شود اما با توجه به نقش مهم زنان، در این تحقیق سعی شده صفاتی که بیشتر در زنان جلوه می کند، بررسی شود.

بررسی برخی صفات نکوهیده در زنان

صفات نکوهیده در یک فصل بیان شده است؛ زیرا صفات همه به هم مربوط بودند و تفکیک آنها کاری بس مشکل بود و همچنین تقسیم بندی فردی و اجتماعی کارساز نبود، و صفات در یکدیگر ادغام می شدند.

خودفراموشی زنان

وقتی انسان از شناخت خود علیل و ناتوان شده نتوانست موقعیت فردی و اجتماعی و اعتقادی خود را درک کند و در این راستا مسئولیت و وظیفه اش را انجام دهد. این شخص طبعاً از شناخت دیگران و پی بردن به حقایق امور نادان تر و ناتوان تر خواهد بود، و همین نادانی او باعث می شود راه راست را از کج راهه نشناسد و منحرف و گمراه گردد. بنابراین منشأ تمام انحرافات و گمراهی ها بشر و از جمله صفات ناپسند و نکوهیده و منفی گرایی خانم ها، خودناشناختی و جهل به موقعیت فردی، اجتماعی و اعتقادی خود می باشد.^۱

دروغ

دروغ از بدترین معایب، زشت ترین گناهان و منشأ بسیاری از مفاسد است و بالطبع از کارهای زشت و ناپسند و عادت به آن از رذایل اخلاقی و گناهان کبیره است و تا ضرورت و مصلحت در میان نباشد دروغ گفتن جایز نیست.

امیرمؤمنان و سالار راست گویان (علیه السلام) می فرمایند: «لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنْ الْكَذِبِ؟»

هیچ چیز ناپسندی بدتری از دروغ گویی نیست.

زنی که به همسر خویش، به پدر و مادر یا به دیگران دروغ می گوید باید بداند که او به عنوان یک مادر باید از وظیفه بزرگ تربیت و پرورش کودک براساس فطرت راست گویی غفلت نرزد و همواره از دروغ گویی پرهیز کند و به آنان وعده دروغ ندهد و برای مصالح ضروری و جزئی راه دروغ گویی را به آنان نیاموزند تا کودکان طبعاً راست گویی پرورش یابند.^۳

تجسس

«تجسس» به معنی جستجوگری در اعمال و امور مربوط به دیگران است و غالباً در مورد امور نامطلوب و خلاف اخلاق به کار می رود.

^۱ - محمدعباس عطایی اصفهانی، آیین زنان بهشتی و جهنمی، قم، حضرت عباس علیه السلام، ۱۳۸۷، ص ۲۹۸.

^۲ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبارالائمة الاطهار، بیروت- لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۹، ص ۲۵۹، ح ۲۳؛ عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ صفات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲.

^۳ - میرزا حسین محدث نوری، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسه ی آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۹۶؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۹، ص ۲۶۳.

در حقیقت سوءظن و گمان بد سبب می شود برای جست و جوگری که انسان برای کشف و رازهای نهان مردم به جست و جو پردازد، و گاه عوامل دیگری مانند: بخل و حسد و تنگ نظری ممکن است انگیزه این کار زشت باشد.^۱

پس زنی که به هر چیز و همه جا سرکشی می کند تا آن را ببیند و به امورات و کارهایی که به او مربوط نیست رسیدگی می نماید و به صحبت های مردم گوش می دهد تا برای زنان مثل خود صحبت تازه ای جمع و جور کند، او در حقیقت دچار صفت تجسس شده است.^۲

اسراف و تبذیر

اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال، بی آنکه چیزی را ظاهراً ضایع کرده باشد مثل اینکه ما لباس گران قیمتی بپوشیم که بهایش صدبرابر لباس مورد نیاز ما باشد. در اینجا از حد گذرانده ایم ولی ظاهراً چیزی نابود نشده است اما تبذیر و ریخت و پاش آن است که آن چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضییع بیانجامد مثل اینکه برای دو نفر میهمان غذای ده نفر را تهیه کنیم و باقیمانده را در زباله دان بریزیم و مانند بیرون ریختن باقی مانده غذا، ضایع کردن و استفاده بیجا کردن از وسایل و اموال و... است.^۳

سخن چینی و نمایی

سخن چینی یا خبرکشی آن است که انسان کلامی را که از یک گوینده درباره کسی شنیده و نقل آن دارای مفسده است. از طریق گفتن یا نوشتن یا اشاره کردن به آن کس منتقل سازد.^۴ خداوند این خصلت را نکوهش کرده و سخن چین را فاسق نامیده و دیگران را از قبول سخن هایش برخذر داشته و می فرماید:

«هَمَّازٌ مَّشَاءٌ بِنَمِيمٍ مِّنَّا لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٌ»^۵

(کافری است) دائم عیب جویی و سخن چینی می کند و هر چه بتواند خلق را از خیر و سعادت باز می دارد.

نشوز

کلمه «نشوز» به معنای عصیان و استکبار از اطاعت است و مراد از خوف نشوز این است که علائم آن به تدریج پیدا شود و معلوم گردد که خانم می خواهد ناسازگاری کند.^۱

^۱ - سیدحسین هاشمیان و علی اصغر همتیان، آیات اخلاق، قم، انتشارات امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۸۸، ص ۱۹۳.

^۲ - سیدحسین هاشمیان و علی اصغر همتیان، آیات اخلاقی، ص ۱۹۳.

^۳ - حسین مظاهری، اخلاق در خانواده، قم، معارف، ۱۳۹۱، ص ۲۸.

^۴ - مهدی اشهاردی، ترجمه ارشاد القلوب، ترجمه سلگی نهانندی، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۶ ج ۱، ص ۳۰۶.

^۵ - قلم (۶۸)/۱۱ و ۱۲.

و زنان مختلف زنانی هستند که از وظایف خود سرپیچی می کنند و نشانه های ناسازگاری در آن ها دیده می شود، مردان در برابر این گونه زنان وظایف و مسئولیت هایی دارند که باید مرحله به مرحله انجام گردد و در هر صورت مراقب باشند که از حریم عدالت تجاوز نکنند.^۲ چنین زنی مورد لعنت فرشتگان است همان طور که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «اِذَا بَاتَتِ الْمَرْأَةُ هَاجِرَةً فِرَاشِ زَوْجِهَا لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ؛ زنی که دور از بستر شوهرش شب را به روز آورد فرشتگان تا صبح او را لعنت می کنند.»

چشم چرانی

اولین نکته ای که قرآن مجید در سوره نور بر آن اصرار می ورزد و آن را به زنان و مردان و دختران و پسران توصیه می فرماید، مواظبت از نگاه است، آن هم نگاه آلوده، چه به جنس مخالف و چه به هم جنس.^۴

پس یکی از صفات ناپسند زنان نگاه کردن به نامحرم و چشم چرانی است.

آشکار کردن زینت برای نامحرم

مطلب دیگری که قرآن مجید بر آن امر فرموده و در صد عمده اش اختصاص به زنان و دختران دارد، پنهان کردن و آشکار نساختن زینت ها و آرایش خویش است، مگر برای شوهر و آن کسانی که خداوند تبارک و تعالی آن ها را در این مجاز دانسته است. و می فرماید:

«وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...»^۵

و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آن چه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر گردن خویش فرواندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان و ... آشکار نکنند. زن ها با جوراب و لباس بدن نما می آیند در کوچه و خیابان (کاشفات عاریات) در آن عصر زنان حجاب ندارند، لباس دارند اما آن قدر زیرش پیداست و گویا نپوشیده اند. آری!

^۱ - ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ هفدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۱.

^۲ - سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات محمدی،

بهمن ماه ۱۳۵۶ هـ.ش، ج ۴، ص ۵۴۶.

^۳ - عطیه صادق کوهستانی، جوان و ازدواج، قم، نسیم حیات، ۱۳۵۲، ص ۸۲؛ ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه (سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم))، قم، انتشارات خاتم الانبیاء، ۱۳۸۳، ص ۲۸۶؛ حمیده حیدری، وظایف زنان از زبان معصومین (علیه السلام)، قم، نسیم حیات، ۱۳۸۹، ص ۳۶.

^۴ - حسین مظاهری، اخلاق در خانواده، ص ۴۹.

^۵ - نور/۳۱.

این حقیقت در عصر ما به وقوع پیوسته و در هر کوی و برزنی مشاهده می کنیم که زنان خودآرایی کرده و برخی از زنان، اندام خویش را به صورت مانکن در آورده و لباسی تنگ مانند پلاستیک بر اعضا و اندام خویش کشانده که تماماً باعث تحریک مردان و طغیان شهوت جوانان می گردد و بعد می فرمایند: آن زمان، زمان فتنه است. این زن ها به جهنم می روند.^۱

آرایش و عطر زدن برای نامحرم

هر زنی اگر خودش را برای شوهرش زیبا کند و لباس خوب بپوشد باعث می شود که شوهرش فقط شیفته و دل باخته ی او باشد و به هیچ وجه در بیرون از خانه، حتی نگاهی به زن نامحرم ننندارد و دچار گناه نگردد.^۲

در روایات می خوانیم اگر خانمی عطر بزند و از خانه بیرون آید، هر نامحرمی که بوی این عطر یا ادکلنش را بشنود، ملائکه او را لعن می کنند و نمازش قبول نیست. همچنین در روایات آن خانمی که بوی عطر می دهد و از خانه بیرون می آید، پای او بر هر سنگ و کلوخی بخورد، زمین او را لعن می کند تا اینکه بر گردد به خانه. اما اگر همین خانم برای شوهرش عطر بزند و وارد رختخواب شود، ملائکه تا صبح برای او استغفار می کنند و خدا از او راضی است.^۳

رفتارهای محرک

زن مسلمان جزء به هنگام ضرورت با مردان سخن نگوید و سخن کوتاه گوید یعنی به همان اندازه که عقل آن را برای مقصود کافی می شمارد.^۴ در سخن امام علی (علیه السلام) یکی از صفات که زنان مؤمن باید داشته باشد متکبر بودن در مقابل نامحرم، یعنی در مقابل نامحرم با قاطعیت صحبت کنند و از حرف زدن با عشوه و تبسم که دیگران را تحریک می کند بپرهیزند.^۵

حسد

حسد یکی از ریشه های اصلی تمام بدی هاست و از دام های خطرناک شیطان همان دامی که در نخستین روزهای آفرینش بشر کار خود کرد و فرزند آدم (علیه السلام) «قابیل»

۱ - حسین مظاهری، اخلاق در خانواده، ص ۱۹۲.

۲ - عطیه صادق کوهستانی، جوان و ازدواج، ص ۱۸.

۳ - حسین مظاهری، اخلاق در خانواده، ص ۱۷۱.

۴ - محمد تقی مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۱۰، ص ۲۵۹.

۵ - احمد طاهری نیا، حضور زن در عرصه های اجتماعی-اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم، مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰.

را به کام خود فروکشید و دستش را به خون برادرش «هابیل» آلوده کرد و برادران یوسف او را در چاه انداختند.^۱

این رذیله اخلاقی و سایر الودگی ها باعث می شود که شخص حسود و مغرور نتواند با همسر و خانواده اش کنار بیاید، زیرا همه چیز را برای خودش می خواهد و یکه تاز میدان باشد و کسی حق اظهار وجود در مسائل مادی و معنوی را نداشته باشد.^۲

مسخره کردن و استهزاء

یکی از صفات بد برخی از زنان مسخره کردن همسر یا دیگران می باشد.^۳ این صفت زشت در زنان با فخر فروشی های زنان در تفاخر به امور شخصی همچون زیبایی و زینت یا نسب یا سبب صورت می گیرد و اساس استهزای دیگران تکبر بر قوم است. به وسیله تمایزی که در اختیار دارند و به آن شادند و سپس به آن خود را برتر از دیگران تصور می کنند و شاید امتیازات دیگران بزرگ تر و سودمندتر برای مردم و قابل بقای بیش تر در نزد خدا بوده باشد و به همین جهت است که پروردگار سبحان و تعالی با توجه به این حقیقت چنین می گوید: «... و لا نساء من نساء عسی ان یکن خیراً منهن...»^۴

نفاق: دوزبانی؛ دورویی

زنی که صفت دوزبانی در او باشد و ظاهر و باطن او یکی نباشد که متأسفانه در جامعه امروزی این صفت شیوع فراوانی کرده است. این زن گاهی در دین خدا نفاق می کند، گاهی در ملکات حسنه و فضایل اخلاقی، گاهی در اعمال صالح، گاهی در امور عادی و متعارف، گاهی با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام)، گاهی با اولیاء و علما و مؤمنین، گاهی با مسلمانان و گاهی با سایر افراد دیگر از جمله همسر و اقوام خود و شوهر و... این ها گرچه همه در زشتی و وقاحت با هم فرق می کنند ولی در اصل خباثت و زشتی همه شریکند.^۵

تهمت

متأسفانه زنانی که به راحتی به همسر و همسایه و اقوام و... تهمت می زنند تا بدین وسیله عیوب خویش را بکاهند و اگر توبه نکند و نابودش نکند در روز قیامت که چشم ها

^۱ - اکبر دهقان، یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم، ص ۲۱۶؛ سید کاظم ارفع، رذایل اخلاقی؛ اخلاق در نهج البلاغه، فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ص ۹۸.

^۲ - مرتضی مطهری، انسان کامل، تهران، صدرا، ۱۳۷۸، ص ۲۷.

^۳ - محمدرضا جباران، درسنامه علم و اخلاق، ص ۳۹؛ احمد نراقی، معراج السعادة، ص ۴۲۶.

^۴ - محمد تقی مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۱۳، ص ۴۱۴.

^۵ - سید خلیل خلیلیان، سیمای زنان در قرآن، انتشار سهامی، ۱۳۵۱، ص ۱۰۷.

تیزبین می شود می بیند که در یک تل چرک و خون ایستاده اند. و همچنین یک زن باید خود را در مظان و معرض متهم شدن قرار ندهد به خاطر پی آمدهای شوم و ناگوار گناه بزرگ بهتان که پیشوایان معصوم (علیه السلام) هم به این مطلب سفارش نموده اند.

غیبت

«غیبت» چنان که از اسمش پیداست این است که در غیاب کسی سخنی بگویند منتهی سخن که عیبی از عیوب او را فاش سازد. خواه این عیب جسمانی باشد یا اخلاقی، در اعمال او باشد یا در سخنش و حتی در اموری که مربوط به او است مانند لباس، خانه، همسر و فرزندان او و مانند این ها. بنابراین اگر کسی صفات ظاهر و آشکار دیگری را بیان کند غیبت نخواهد بود مثل تندخویی و عجله داخل در غیبت نیست مگر این که قصد مذمت بگوید آن مرد نابینا، یا کوتاه قد، یا سیاه‌رنگ یا کوسه.^۱

سوء ظن یا بدگمانی

گمان بد از خباثت نفس و القای شیطان خبیث است. چنان که نیز گاه ما را به فتنه های کور می کشاند.^۲ و در عرصه حاضر که متأسفانه بدبینی و بدگمانی در میان طبقات اجتماع زخنه کرده از جمله زنان، بنابراین یکی از خطاها و صفات زشت برخی از زنان، بدگمانی است که نسبت به خدا (با گفتن چراها و آیاهای) و سایر انسان ها و درباره رفتار دیگران به خصوص همسر و بستگان، می باشد.

خود پسندی و تکبر

اگر زنی خودپسند و متکبر باشد یعنی گفتار و کردار خود را بپسندد باید بداند که کمالی را که در خود می بیند یا اصلاً کمال نیست و یا در مقابل کمالات دیگران ارزشی ندارد و ظهور و بروز این خوی نکوهیده (تکبر و خودپسندی) در تمام شؤون زندگی انسان امکان پذیر است و ممکن نیست کسی این صفت رذیله را به صورت شدید یا خفیف داشته باشد و در چهره و سخن اعمال او ظاهر نگردد که این دو صفت ناشی از عوامل گوناگونی از جمله عقدۀ حقارت، جهل و نادانی، کمبود ظرفیت و سوء تربیت که همان مهر و محبت بیش از حد و برخورد دوگانه با فرزندان است.

^۱ - ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۹.

^۲ - محمد تقی مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۱۳، ص ۴۱۸.

افشای راز - خیانت به راز و امانت

زنی که اسرار و مکنونات خانه را در بیرون از خانه بازگو و حرف بیرون از خانه نیز به خانه می آورد و اسرار زندگی خود برای دیگران فاش می سازد موجب آزار همسر و دیگران می شود و از جمله خیانت آن است که سر دیگری را فاش کنی و در روایات به رازپوشی توصیه می مؤکد شده است همان طور که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إذا حدث الرجل الحديث ثم التفت فهی أمانة^۱؛ هنگامی که کسی چیزی به شما گفت و رفت، آن سخن امانت است.»

ناسزاگویی و بدزبانی

از جمله لغزش های زبان فحش و ناسزاگویی است که از پستی و پلیدی نفس انسان ناشی می شود. یکی از ویژگی های قرآن کریم، عدم استفاده از الفاظ زننده و استخدام تعابیر کنایی است. از این رو عفت کلام به عنوان یکی از فضایل انسانی، در دین اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. در آموزه های اسلامی، زشتی بدزبانی، نه تنها از احترام به مخاطب ناشی نمی شود، بلکه احترام متکلم نیز عفت کلام را بر او لازم کرده و موجب بازداشتن او از فحاشی و بددهنی می شود از این رو هنگامی که برخی از یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین به شامیان ناسزا گفتند حضرت فرمودند: «انی اکره ان تکونوا سباین»؛ من دوست ندارم شما بدگو و بدزبان باشید.^۲

سحر و وسوسه

فخر رازی می گوید: زنان به خاطر نفوذ محبت هایشان در قلوب رجال، در آنان تصرف می کنند. این معنی در عصر و زمان ما از هر وقت ظاهرتر است زیرا یکی از مهمترین مسائل نفوذ جاسوس ها در سیاستمداران جهان استفاده از زنان جاسوسه است که با این «الْفَنَائَاتِ فِي الْعُقَدِ» قفل های صندوق های اسرار را می گشایند و از مرموزترین مسائل باخبر می شوند و آن را در اختیار دشمن قرار می دهد.^۳

چشم و همچشمی (تجملات و تشریفات)

بعضی از زن ها توقعاتشان زیاد است. می داند که شوهر نمی تواند آن ها را اداره کند، مثلاً حقوقش پانصد هزار تومان است، شب عید که می شود. یک پیراهن پانصد هزار تومانی از شوهر می خواهد. هرچه شوهر می گوید حقوقم پانصد هزار تومان است. نمی توانم، قبول

^۱ - احمد نراقی، معراج السعادة، ص ۴۱۶.

^۲ - فاطمه استاد ملک، زن در قرآن، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۱، ص ۸۴.

^۳ - ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۶۰.

نمی کند. در مورد چنین زنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «أیما امرأة لم تفرق بزوجها و حملته علی ما یقدر... غضبان»^۱ هر زنی که با شوهر خود مدارا ننماید- و در حالی که شوهرش توان و قدرت انجام توقعات او را ندارد- خواسته های خود را بر شوهرش تحمیل می کند. خداوند اعمال حسنه ی چنین زنی را قبول نکرده و در روز قیامت بر او غضب خواهد نمود.^۲

عصبانیت و کج خلقی

اول چیزی که محبت را از خانه می برد و شیشه محبت را می شکند، تندخویی و عصبانیت است. اختلاف، تندی، پرخاشگری اگر در زندگی ادامه پیدا کند به سنگدلی و قساوت مبدل می شود. اگر زن در مقابل شوهر زبان دراز شد، پرخاشگر شد، همان جمله اولش یک ضربه به احساس مرد می زند. باید مواظب باشیم این صفت بداخلاقی را از زندگی خود دور نماییم.^۳

برخی از راه های درمان صفات نکوهیده

در این قسمت برخی از اصولی که به درمان و پاکسازی این اخلاق نکوهیده کمک می کند بیان شده است.

اصل ایمان و تقوا

مهم ترین اعتقادات دینی، ایمان به خدا است. خداپرستی موجب می شود نگرش فرد به تمام هستی و زندگی انسان، هدف دار و معنادار باشد و در رفتارها، با انسجام وحدت رویه و آرامش عمل کند.^۴ مرد یا زن باتقوا کسی است که در خانه خوب همسررداری کند، ظلم نمی کند و اگر ظلمی را مرتکب شد فوراً عذرخواهی می کند به جایی که نباید نگاه کند، نگاه نمی کند، زبان خودش را از شایعه زدن و نمایی و ... حفظ می کند. و در یک کلام تقوا، یعنی آن که انسان به حالتی برسد که وقتی به گناه رسید، بتواند خودش را کنترل نماید.

اصل تعقل و اندیشه

اگر انسان عالم و متفکر نبوده و مانند کرم ابریشم در این دنیا به خود بتند و فکر تحصیل، پول و شهرت و زندگانی مرفه و... باشد، کم کم عقلش را از دست داده انسان کوتاه

^۱ - سیدهاشم ناجی جزایری، همسران رحمت شده و نفرین شده، ص ۳۰۳؛ حسین مظاهری، اخلاق در خانواده، ص ۲۰۱؛

طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۱۴.

^۲ - ناصر مکارم شیرازی، همان، ص ۹۶.

^۳ - حسین مظاهری، همان، ص ۱۹۰.

^۴ - محمدرضا سالاری فر، نظام خانواده در اسلام، ص ۷۰.

فکری می شود و آن قدر خرفت و بی عقل می شود که در اواخر عمر حتی به فکر نظافت نیز نیست.^۱

اصل حیا و عفت

با کمک حیا هر انسانی و یک زن می تواند حریم ها را حفظ کند و با قدرت آن از ارتکاب خلاف عفت و کارهای زشت و امور ناپسند نزدیک نمی گردد، زیرا از نشانه های حیا کننده این است که او را در کارهای شرم آور نبینند.^۲

اصل شکرگزاری

هر انسانی چنانچه فطرت انسانی خود را از دست نداده باشد، هنگامی که محبت و احسان دیگران مواجه می گردد، درصدد جبران آن برآمده تا از نیکی های آن قدردانی نماید. نعمت شاکر افزوده می شود، خداوند در این باره می فرماید:

«...لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...»^۳

اگر سپاس نعمت به جای آرید، آن را بر شما می افزایم.

اصل حلم و بردباری

یکی دیگر اصول مقابله با این صفات اصل «حلم و بردباری» است. حلم و بردباری عبارت است از: حوصله به خرج دادن، دقت، تأمل، پابرجایی و متانت در کارهاست.^۴ شخص حلیم در زندگی زناشویی نیز از تلاطم ها و اوج و فرودها و امواج زندگی به دور است.^۵

اصل قناعت

شخص قانع به طور طبیعی از بسیاری از رذایل اخلاقی همچون حرص، طمع، حسد، دنیا طلبی فارغ بوده و ضمن آن که فی الجمله از گرفتاری های دنیا آسوده خاطر است، تحصیل آخرت نیز برای او آسان خواهد بود. امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «القناعة مال لا ينفد؟» قناعت ثروتی است که تمام نمی گردد.^۶

پس اگر خانمی به مقداری که در زندگی دارد اکتفا کند و قانع باشد و تلاش نماید روز به روز خود را از نظر مادی و معنوی بالا ببرد و کاری به زندگی دیگران نداشته باشد،

^۱ - آیت الله مظاهری، عوامل کنترل غرایز در زندگی انسان، ص ۹۲.

^۲ - مهدی اشتهاردی، ترجمه ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۸۷.

^۳ - ابراهیم (۱۴)/۷.

^۴ - عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ صفات، ص ۱۶۲.

^۵ - امیر حسین بانکی پورفرد، سردلبران، ص ۲۴۸.

^۶ - نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، صدرا، ۱۳۸۶، حکمت ۴۷۵؛ عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ صفات، ص ۲۲۰.

دیگر حرص و طمع و چشم و هم چشمی و حسادت نخواهد داشت و به آرامش دست می یابد.

معرفی برخی از زنان نکوهش شده در تاریخ

«واغله» همسر حضرت نوح (علیه السلام)

واغله همسری ناشایست برای نوح (علیه السلام) و مادری فاقد صلاحیت برای کنعان بود، او در خط کافران حرکت می کرد و ملاک های ظاهری را مبنای برتری تلقی می کرد و به عنوان فردی از کفار دو مکه کفر و پلیدی و شرک در وی ثبات یافت و سزاوار عذاب الهی گشت.^۱

«واهله یا واله» همسر حضرت لوط (علیه السلام)

خیانت این دو زن به همسرانشان، این بود که همسری امین نبودند و از افشای رازهای دینی و اجتماعی که در خانه ی نبوت صوت می گرفت، مضایقه نکردند و در سوره تحریم به جهت خیانتشان اهل دوزخ شدند و خیانت این دو زن، منافعی عفت نبوده است. این دو زن بر اثر عدم تشخیص حق و یا غرور و جهل از فرصت همنشینی و معاشرت با پیامبران الهی استفاده نکردند و به جای این که در جوار آنان سعادت‌مند گردند، بدبخت و شقاوتمند گردند.^۲

ام جمیل زن ابولهب

نام اصلی این زن «عوراء» و کنیه اش «ام جمیل» است و در سوره ی مسد، آیه چهارم با لقب «حمالة الحطب» او را زن دوزخیان و هیزم کشان آتش نامیده است.^۳ ام جمیل از دشمنان سرسخت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحاب آن حضرت بود، او در اثر بغض و کینه به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آیین پاک او، از صحرا خارهای تیز مغیلان را بر دوش می گرفت و به کوچه ها و مسیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می ریخت تا هنگام راه رفتن (صلی الله علیه و آله و سلم) و گروندگان اسلام پای آنان مجروح گردد.^۴

عایشه

عایشه از همسران پرشور و پرماجرایی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و دارای تعاریف ضد و نقیض در تاریخ اسلام از جهات مختلف می باشد.

۱ - حبیب الله اکبریور، شناخت زنان با حدیث و داستان، ص ۱۹۵.

۲ - هادی دولت محمدی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸.

۳ - علی اکبر بابازاده، سیمای زنان در قرآن، ص ۱۴۸؛ ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۴۱.

۴ - تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۲۱.

عایشه زمینه ی جنگ جمل را فراهم ساخت و با دستیاری طلحه و زبیر و تحریک معاویه تعداد سی هزار نفر فریب خورده را در بصره گردهم آورد و بیش از ۱۶۷۹۰ نفرشان به هلاکت رسیدند و در همان سرزمین "حوآب" صدای سگ ها را شنید و یاد پیشگویی پیامبر و کیفر شدید آن افتاد.^۱

حفصه

حفصه، دختر خلیفه ی دوم "عمر بن خطاب" و مادرش "زینب" دختر "مظعون بن حبیب بن وهب" خواهر "عثمان بن مظعون" می باشد. او از نظر اخلاقی، مانند پدرش تندخو بود. اخلاق تند حفصه، پیامبر را ناراحت کرد و آن حضرت از او طلاق گرفت. این باعث ناراحتی عمر شد و دخترش را تنبیه کرد و از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) خواهش کرد که چاره ای بیندیشد و آن حضرت با این کار موافقت نمود و به جهت مصالح اجتماعی، منت بر سر عمر گذاشت و به زندگی خود ادامه داد.^۲

سجاح

سجاح، بنت حارث بن سوید تمیمیه، نام زنی که دعوی نبوت کرد و در کذب بدان مثل زنند و گویند «اکذب من سجاح»^۳

هند جگر خوار (قاتل حمزه)

مادر معاویه بن ابی سفیان دختر عتبۀ بن ربیعۀ بن عبد شمس بن عبد مناف است. او همانند شوهرش ابوسفیان و پسرش معاویه، در هر شری و فساد و جنایتی پیش قدم بود و با وحشی غلام جبیر بن مطعم عهد کرد که اگر تو محمد یا علی یا حمزه را به قتل آوری آن قدر به تو زر و مال خواهم بخشید که تو راضی شوی. وحشی چون حمزه را کشت، جگر حمزه را برای هند برد. آن ملعونه خواست جگر حمزه را در زیر دندان بگذارد و بلع کند تا آتش کینه خود را خاموش کند.^۴

جعه بنت اشعث بن قیس کندی (قاتل امام حسن -علیه السلام-)

او دختر اشعث بن قیس کندی و مادرش ام فروه، خواهر ابو بکر و زوجه ی حضرت امام حسن -علیه السلام- بود.^۵ پدر او در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) موجودی فاسد بود که آزارهای بسیاری به پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) رسانده بود. این زن که ذاتاً از خانواده های پست فطرت و فرومایه بود و نیز از آن جا که صاحب فرزندی از امام حسن -علیه السلام- نشده بود، نسبت به آن حضرت کینه و عقده

^۱ - علی اکبر بابازاده، سیمای زنان در قرآن، ص ۱۹۵.

^۲ - ابراهیم بابایی آملی، داستان ازدواج معصومین، قم، بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیا، ۱۳۸۱، ص ۵۸.

^۳ - مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۳، ص ۶۶۶.

^۴ - قصه های قرآن، ص ۵۹۵.

^۵ - ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۳۴۹.

ای در دل داشت. ک برای همین با شنیدن وعده های فریبنده ی معاویه وسوسه شد و فریب خورد و امام حسن -علیه السلام- را با زهر به شهادت رساند.^۱ اما به آرزویش نرسید و دنیا و آخرتش را از دست داد و پسرش محمد نیز شرکت در خون مسلم بن عقیل نمود و سپس به کربلا رفته و شرکت در خون حضرت والای حسینی نمود.

ام الفضل (قاتل امام جواد -علیه السلام-)

ام فضل دختر مأمون عباسی، زوجه حضرت امام محمد تقی علیه السلام بود . به خاطر حسادت و همکاری با معتصم عباسی، شوهرش امام محمدتقی -علیه السلام- را که در زمان خود، پاک ترین و با سخاوتمندترین شخص بود، به شهادت رساند و بدین وسیله نامش جزء زنان خائن تاریخ ثبت شد.^۲

قطام (شرکت در قتل امام علی -علیه السلام-)

او از قبیله تیم الرباب که شرکت در قتل امیر المؤمنین کرد . قطام ، ابن ملجم را وعده داد و از او خواست که امام علی -علیه السلام- را به شهادت برساند و او این کار را انجام داد و بعد از آن که حضرت را شهید کردند، هر دو (ابن ملجم و قطام) زنده نگذاشتند و به بدترین وجهی آن ها را به جهنم فرستادند.^۳

نابغه مادر عمرو بن العاص

نابغه مادر عمرو عاص، زنی منحرف و مشهوره و آوازه خوان و بدنام^۴ بود. او با مردانی چون ابولهب، امیه بن خلف، هشام بن مغیره، ابوسفیان و عاص بن وائل ارتباط نامشروع داشت. بعد از تولد عمرو، هر کدام از این ها ادعا می کرد که عمرو فرزند اوست. ولی چون عاص کمک های مالی به نابغه می کرد، این زن اعلام کرد که عمرو، فرزند عاص می باشد. اما ابوسفیان می گفت : تردیدی ندارم که عمرو فرزند من است و از آمیزش من منعقد شده است.^۵

میسون مادر یزید بن معاویه

یزید مادرش میسون بود دختر بجدل کلبی و میسونرا از بادیه برای معاویه آوردند و کلبی و غیر او گوید که به جدل را غلامی بود سفاح نام داشت. میسون را با غلام الفتی تمام بود صبح و شام از او کام می گرفت. چون بسرای معاویه شد میسون از آن غلام حمل داشت

^۱ - مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۳، ص ۶۸۲.

^۲ - ذبیح الله محلاتی، رباحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵۴.

^۳ - ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۵، ص ۳۴۸.

^۴ - حسینی دشتی، همان، ج ۵، ص ۶۵۴.

^۵ - ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۵، ص ۳۵۱.

و چون حملش ظاهر نبود این مطلب مكتوم بماند. چون حمل خود فرونهاد، معاویه از خویش دانست و یزیدش نام نهاد و در حقیقت نطفه معاویه با نطفه سفاح مزید گشت.^۱

سمیه مادر زیاد بن ابیه

ابو الخیر بن عمرو کندی که یکی از ملوک یمن بود که از کسری جائزه ای از جمله کنیزکی سمیه و غلامی عبید نام به او هبه کرد. او مرضی داشت که حارث بن کلدۀ که طبیب عرب بود او را معالجه کرد که بعد از صحت همان کنیز سمیه و غلام که عبید نام داشتند را به حارث بن کلدۀ داد و از آنجا به سوی یمن روان شد و در بین راه بمرد و حارث بن کلدۀ را با سمیه تزویج کرد و زیاد در فراش عبید از او متولد گردید. از آن جایی که این زن، از زنان هرزه و صاحبان علم در مکه بوده است که از این راه به فسق و فجور می پرداخته است؛ وقتی زیاد به دنیا آمد، چون پدرش معلوم نبود کیست، او را زیاد ابن ابیه، یعنی زیاد پسر پدرش، نامیدند.^۲

^۱ - ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه ج ۵، ص ۳۵۶.

^۲ - همان، ج ۵، ص ۳۵۸.

نتیجه

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان ۳)

ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گذار خواهد بود یا ناسپاس.

خداوند بر اثر لطف، انسان را آفرید و راه سعادت و شقاوت را با ارسال پیامبران الهی و کتب آسمانی به انسان نشان داد و انسان در انتخاب راه سعادت یا شقاوت مختار است و در این مسیر الگوهای صالح برای پیمودن راه سعادت و الگوهای ناصالح برای کشاندن انسان به شقاوت و بدبختی وجود دارد.

و چه بسا انسان هایی در کنار انبیاء و اولیاء الهی بودند، بهترین موقعیت برای رشد داشتند اما با انتخاب خود و نداشتن ایمان و عمل صالح و پیروی از هوا و هوس نزدیک بودن به افراد صالح ولو همسر بودن، نتیجه ای به حال ایشان نداشت و به دوزخ منتهی شدند. نمونه قرآنی آن همسران حضرت نوح و لوط -علیهما السلام- و در مقابل زنانی که در بدترین شرایط بودند ولی به سعادت رسیدند، مثل همسر فرعون که با وجود همسری که ادعای خدایی کرد و مخالف سرسخت پیامبر بود، اما توانست الگوی نمونه ای برای عالمیان باشد.

در نتیجه باید برای رسیدن به کمالات و سعادت دنیوی و اخروی، صفات رذیله را شناخت و از آنها دوری کرد و خود را به صفات پسندیده و شایسته مزین کرد. و در راه پیمودن مسیر کمالات می توان از سرنوشت کسانی که صفات رذیله داشتند، عبرت گرفت.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
- * نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، صدرا، ۱۳۸۶
۱. ارفع، سید کاظم: رذیل اخلاقی (اخلاق در نهج البلاغه)، فیض کاشانی، ۱۳۷۶،
 ۲. استاد ملک، فاطمه: زن در قرآن مجید، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۱،
 ۳. اسماعیلی یزدی، عباس: فرهنگ صفات، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۱،
 ۴. اشتهااردی، مهدی: ارشاد القلوب، ترجمه سلگی نهاوندی، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۶،
 ۵. بابایی آملی، ابراهیم، داستان ازدواج معصومین، قم، بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیا، ۱۳۸۱
 ۶. بابازاده، علی اکبر: سیمای زنان در قرآن، قم، انتشارات لوح محفوظ، ۱۳۷۸
 ۷. پاینده، ابوالقاسم: نهج الفصاحه (سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم))، قم، انتشارات خاتم الانبیاء، ۱۳۸۳
 ۸. توکلیان، عباس: استحياء، مشهد، انتشارات امید مهر، ۱۳۸۹
 ۹. حسینی دشتی، سید مصطفی: معارف و معاریف، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۶ ش
 ۱۰. یلیان، سید خلیل: سیمای زنان در قرآن، انتشار سهامی، ۱۳۵۱
 ۱۱. نی، علی: زن در قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵
 ۱۲. دق کوهستانی، عطیه: جوان و ازدواج، قم، نسیم حیات، ۱۳۵۲،
 ۱۳. هری نیا، احمد: حضور زن در عرصه های اجتماعی-اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم، مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی، ۱۳۸۹
 ۱۴. طبائنی، سید محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات محمدی، بهمن ماه ۱۳۵۶ هـ ش
 ۱۵. رسی، ابوعلی فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید ابراهیم میرباقری و دیگران، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۰ ش
 ۱۶. -----: مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق

۱۷. عط
ایبی اصفهانی، محمدعباس، آیین زنان بهشتی و جهنمی، قم، حضرت عباس علیه السلام، ۱۳۸۷.
۱۸. مج
لسی، محمد باقر: بحارالانوار الجامعه لدرر الاخبارالائمه الاطهار، بیروت- لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
۱۹. مح
دث نوری، میرزا حسین: مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسه ی آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۰. مدی ری شهری، محمد: میزان الحکمه، بی جا، مکتب الاعلام الإسلامی، چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۶۷ ش.
۲۱. لاتنی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۲. مدی نیا، اسدالله: آئین همسر داری در زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، قم، سبط اکبر، ۱۳۸۵
۲۳. مدی، محمدحسین هزار و یک حکایت اخلاقی، قم، چاف، ۱۳۸۸.
۲۴. رسی، سید محمد تقی: تفسیر هدایت، مترجمان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۲۵. رم شیرازی، ناصر: اخلاق در قرآن، قم، امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، ۱۳۷۷.
۲۶. -----: تفسیرنمونه، چاپ هفدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۷. ظن
اجی جزایری، سیدهاشم: همسران رحمت شده و نفرین شده، انتشارات ناجی جزایری، ۱۳۹۰.
۲۸. ی، احمد: معراج السعاده، مشهد: ندای اسلام، ۱۳۶۲ ش. و تصحیح رضا مرندی، بی جا، انتشارات دهقان، ۱۳۸۴. و انتشارات رشیدی
۲۹. نی
شایبوری، ابراهیم بن منصور، قصص الانبیاء، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۴.
۳۰. شمیمان، سیدحسین و علی اصغر همتیان: آیات اخلاق، قم، انتشارات امیرالمؤمنین (علیه السلام)،

.....	مقدمه
.....	بررسی برخی صفات نکوهیده در زنان
.....	خودفراموشی زنان
.....	دروغ
.....	تجسس
.....	اسراف و تبذیر
.....	سخن چینی و نمایی
.....	نشوز
.....	چشم چرانی
.....	آشکار کردن زینت برای نامحرم
.....	آرایش و عطر زدن برای نامحرم
.....	رفتارهای محرک: سخن گفتن با کرشمه؛ راه رفتن
.....	حسد
.....	مسخره کردن و استهزاء
.....	نفاق: دوزبانی؛ دورویی
.....	تهمت
.....	غیبت
.....	سوءظن یا بدگمانی
.....	خود پسندی و تکبر
.....	افشای راز- خیانت به راز و امانت
.....	ناسزاگویی و بدزبانی
.....	سحر و وسوسه
.....	چشم و همچشمی (تجمات و تشریفات)
.....	عصبانیت و کج خلقی
.....	برخی از راه های درمان صفات نکوهیده
.....	اصل ایمان و تقوا
.....	اصل تعقل و اندیشه
.....	اصل حیا و عفت
.....	اصل شکرگزاری
.....	اصل حلم و بردباری
.....	اصل قناعت
.....	معرفی برخی از زنان نکوهش شده در تاریخ

- «واغله» همسر حضرت نوح(علیه السلام)
- «واهلہ یا والہہ» همسر حضرت لوط(علیه السلام)
- ام جمیل زن ابولہب
- عایشہ
- حفصہ
- سجاح
- ہند جگرخوار (قاتل حمزہ)
- جعدہ بنت اشعث بن قیس کندی (قاتل امام حسن -علیہ السلام-)
- ام الفضل (قاتل امام جواد -علیہ السلام-)
- قطام (شرکت در قتل امام علی -علیہ السلام-)
- نابغہ مادر عمرو بن العاص
- میسون مادر یزید بن معاویہ
- سمیہ مادر زیاد بن ابیہ
- نتیجہ
- منابع و مآخذ